



خجیت کردن: بدون رضایت، در نبود کسی حرفی بزنیم  
تهمت: فعل و کاری را به نادریستی به کسی نسبت دهیم

درس هشتم

دو نامه

( ناهان زبان )



خشم خودمان را فرو ببریم  
به دیگران ظن و گمان نداشته باشیم  
خطای دیگران را ببخشیم  
با کلمات و القاب ناپسند با دیگران حرف نزنیم  
دیگران را مسخره نکنیم

امین با دقت به حرف‌های آقا معلم گوش می‌داد. فرهاد از انتهای کلاس با خشم به او زل زده بود و زیر لب غرغر می‌کرد:

«حالا دو چرخه‌ی مرا می‌اندازی! حسابت را می‌رسم!»

درس تمام شد. فرهاد برگه‌ای از دفترش کند و روی آن نوشت:

«فکر نمی‌کردم این قدر حسود باشی و چشم دیدن دو چرخه‌ام را نداشته باشی...»

رضا که کنار فرهاد نشسته بود تا چشمش به برگه افتاد با تعجب گفت: «منظورت چه کسی است؟ همین امین؟!»

نجیب کردن

فرهاد گفت: «هنوز او را نشناخته‌ای. به قیافه‌اش نگاه نکن، خیلی حسود است. امروز صبح که می‌خواست دوچرخه‌اش را کنار دیوار بگذارد، دوچرخه‌ی مرا پرت کرد روی زمین!»

همین که زنگ تفریح را زدند، فرهاد برگه را جلوی امین انداخت و گفت: «حالا خوب است دوچرخه‌ات مال خودت نیست! مال پسر عمویت است. خودش دوچرخه‌ی نو

خریده و این را بخشیده به تو!» **تهمت زدن**

فرهاد با اخم به سوی درِ کلاس رفت؛ بعد سرش را برگرداند و گفت: «حالا نوبت دوچرخه‌ات است!»

**فرو بردن چشم**

امین سرش را پایین انداخت و چیزی نگفت. بچه‌ها یکی یکی از کلاس بیرون رفتند. امین تنها و غمگین، برگه را باز کرد و خواند؛ دلش گرفت؛ نزدیک بود گریه‌اش بگیرد؛ کنار پنجره ایستاد؛ چشمش به فرهاد افتاد که با خشم به طرف دوچرخه‌ی او می‌رفت....

سر جایش نشست؛ چند لحظه به فکر فرو رفت؛ برگه‌ای برداشت و چند جمله روی آن نوشت؛ زنگ آخر با لبخند به طرف فرهاد رفت و برگه را به او داد. فرهاد با خشم برگه را مچاله کرد و دور انداخت.

## در کارهای بد بادیلران شریک نشوم

رضا خنده‌اش گرفت و گفت: «ای بابا! اوّل بخوان بعد دور بینداز!»  
رضا برگه را در کیف فرهاد گذاشت.

فرهاد لبخند تمسخرآمیزی زد و گفت: «می‌اندازمش دور!»  
فرهاد یادش رفت برگه را دور بیندازد. آخر شب، هنگامی که می‌خواست کیفش را آماده کند، برگه را دید؛ با اخم آن را برداشت.

- «حتماً چیزهایی نوشته تا جوابم را بدهد». برگه را با بی‌میلی باز کرد:  
«به نام خدا. فرهادجان سلام! خیلی ببخشید دوچرخه‌ات را انداختم. باور کن دست خودم نبود. دیر به مدرسه رسیده بودم و می‌خواستم سریع به کلاس بیایم. پایم به جک دوچرخه‌ات گیر کرد و افتاد.

ای کاش همان لحظه دوچرخه‌ات را درست کرده بودم!  
اگر دوچرخه‌ات آسیب دیده خسارتش را می‌دهم. باور کن من، تو را دوست دارم. چند روز پیش دو تا از بچه‌های کلاس می‌خواستند باد دوچرخه‌ات را خالی کنند تا تو را اذیت کنند؛ اما من نگذاشتم.

راستی یادت هست روز اوّل مدرسه، نصف میوه‌ات را به من دادی. پسر، تو خیلی مهربانی!»

فرهاد مات و مبهوت به متن نامه نگاه می‌کرد؛ آهی کشید و به پنجره چشم دوخت.



امین در حیات قدم می‌زد.  
فرهاد با چشم‌هایی سرشار از شرم،  
نگاهی به او انداخت؛ نمی‌دانست چه  
کار کند؛ به طرف امین برود یا خود را  
پنهان کند تا نگاه امین به او نیفتد.  
با صدای بلند امین را صدا زد و به  
طرف او دوید....

❁ هریک از این کارها در کدام رفتار شخصیت‌های داستان دیده می‌شود؟

غیبت

فرهاد

تهمت

فرهاد

❁ این کارهای زشت، چه نتایجی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

آبروی دوستانمان را می‌بریم

دوستانمان را اذیت می‌کنیم

حما زمین گرد است

فرهاد

لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ... وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ  
یکدیگر را مسخره نکنید... و القاب زشت روی یکدیگر  
نگذارید.

سورهی حُجْرَات، آیهی ۱۱

امین

وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ  
(نیکوکاران کسانی هستند) که خشم خود را فرو می‌برند  
و خطاهای دیگران را می‌بخشند.

سورهی آل عمران، آیهی ۱۳۴

رضا

وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ  
در کارهای بد، به یکدیگر کمک نکنید.

سورهی مائده، آیهی ۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ  
بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

ای کسانی که ایمان آوردید! از بسیاری از گمان‌ها  
بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.

سورهی حُجْرَات، آیهی ۱۲

## گفت و گو کنیم

به نظر شما بهترین روش برخورد با کسی که پیش ما از دیگران بدگویی می کند، چیست؟ اول به او یاد آوری کنیم که **غیبت کار ناپسندی است**، اگر ادامه داد، از پیش او برویم تا متوجه کار اشتباه خودش شود.

## ایستگاه فکر

❁ اگر کسی لقب زشتی به من نسبت دهد، **حماً ناراحت خواهم شد و از او می خواهم دیگر این کار را تکرار نکند**.

❁ اگر عیب یا اشتباهی در رفتار یکی از دوستانم باشد، **در مکان و زمان مناسب (طوری که کسی آنجا نباشد) و با لحن مناسب او را متوجه اشتباهش خواهم کرد**.



به کار ببندیم

آهت علی زغم

غیت لخواصم  
گر

دوست دارم زبان من دیگران را  
اذیت نکند؛ بنابراین ...

دروع علی گویم

مسخره علی تم

# کامل کنید

❁ چه کارهایی را خدا نمی‌پسندد؟ آنها را رنگ‌آمیزی کنید.

جواب	ناشکر بودن	احترام به دیگران	سخن خوب گفتن	دعوا کردن با دیگران	شکرگزار بودن		تهمت زدن	
	سلام دادن	نرم و خوب سخن گفتن			سلام کردن	راست‌گویی		
اُف گفتن به پدر و مادر	پرخاش نکردن به دیگران	دنبال عیب دیگران بودن و عیب‌جویی کردن	با ادب سخن گفتن	طعنه زدن	با ادب بودن	سخن بیهوده گفتن	دعا برای دیگران	بدگویی کردن از دیگران
				دروغ گفتن				
تشویق کردن ظالم		حمایت از مظلوم		عصبانی نشدن			خبرچینی کردن	
خبرچینی نکردن		عیب‌جویی نکردن		القاب زشت به کار بردن	تشکر از دیگران	مسخره کردن		

❁ کلمه‌ی مشاهده شده را در جای خالی قرار دهید:

امام صادق علیه السلام:

«بدترین مردم نزد خدا کسی است که مردم از شرّ **زبان** او در امان نیستند.»

ایستگاه خلاقیت

اگر من به جای فرهاد بودم... چراغ زودمصنوعت منی کردم و از امین دلیل انجام کارش برای پرسیدم  
اگر من به جای رضا بودم... از عصبانی شدن فرهاد جلوگیری می‌کردم و او را آرام می‌کردم.

❁ اگر شما به جای یکی از دو شخصیت داستان (فرهاد یا رضا) بودید، چه می‌کردید؟

پاسخ خود را به صورت نمایش خلاق در کلاس اجرا کنید.